



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۲۵

توانا آشکار

ناتوانی حکومت در عدم مدیریت منابع اقتصادی

حکومت وحدت ملی با آغاز کار اش وعده سپرد که رشد اقتصادی افغانستان و استفاده از منابع عایداتی اولویت برنامه های این نظام خواهد بود. باور ها نیز این بود که رئیس جمهور غنی با تجارب بالای که در بخش اقتصادی دارد می تواند از وضعیت موجود اقتصادی به خوبی بیرون آید . اما با گذشت چهار سال ارقام تازه وزارت اقتصاد نشان میدهد که وضعیت خلاف آرزو های مردم پیش می رود . وزارت اقتصاد در کنفرانس خبری که در روز یکشنبه اول میزان داشت گزارش داد که وضعیت اقتصادی خلاف انتظار پیش رفته است و ارقام این وزارت نشان میدهد که رشد اقتصادی از ۲/۷ درصد به ۲/۴ درصد کاهش یافته است.

درکنار این بانک جهانی نیز هشدار داده بود که اگر وضعیت انتخابات سال ۲۰۱۴ تکرار شود؛ کسر بودجه افغانستان به ۵۰۰میلیون دالر خواهد رسید و ظرفیت دولت در ارائه خدمات به مردم کاهش خواهد یافت. بانک جهانی از حکومت افغانستان می خواهد که دست آورد های موجود را حفظ کند.

یافته های گزارش شش ماهه بانک جهانی نشان می دهد که میزان فقر در افغانستان نیز به بیش از پنجاه درصد افزایش یافته است.

بر بنیاد گزارش بانک جهانی در میان سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷، ۱۴۰ هزار بست کاری کاهش یافته است، در حالی که سالانه ۴۰۰ هزار افغان وارد بازار کار می شوند.

ادامه این وضعیت نشان دهنده این است که حکومت افغانستان برای رشد اقتصاد این کشور برنامه مؤثر و طرح های تاثیر گذار برای رشد سرمایه گذاری ندارد.

در این نیاز است تا ناتوانی های حکومت وحدت ملی را در پنج بخش عمده به بررسی قرار دهیم.

اول استفاده از ظرفیت های مؤثر:

حکومت افغانستان در چهار سال گذشته نتوانسته است ظرفیت های لازم و مؤثر را در بخش های مهم اقتصادی انحصار کند و بیشتر تفرری ها به اساس روابط و مشوره با جریان های سیاسی بوده است و شماری از کدر های اقتصادی و یا افراد مؤثر که در مقام های بلند و یا کوچک مشغول کار بودند و یا فعلاً هستند از صلاحیت لازم برای بهبود وضعیت برخوردار نیستند و بیشتر مداخلات در امور اقتصادی از سوی رئیس جمهور غنی صورت می گیرد که این مداخلات مانع کلان در برنامه های اقتصادی شده است.

دوم یافتن منابع جدید:

تولید و خدمات مختلف در وهله اول نیازمند دسترسی به منابع اولیه مورد نیاز است. بدون شک منابع طبیعی نقشی تعیین کننده در صنایع مختلف کشورها دارند. حکومت وحدت ملی در این زمینه نیز نتوانسته است تا منابع و زمینه ها را برای سرمایه گذاری مساعد سازد و بیشتر سرمایه گذاران که علاقمند سرمایه گذاری در این کشور شده اند با کمبود منابع مواجه اند.

سوم افزایش تخصص نیروی کار:

اگر رشد اقتصادی معلول افزایش تولید و خدمات مختلف در اقتصاد است، نیروی انسانی متخصص و ماهر علت اصلی در به وجود آمدن کالاها و خدمات جدید در اقتصاد است. حکومت در این زمینه نیز مکلف بود تا در بهبود ظرفیت های شغلی و جذب ظرفیت ها تلاش می کرد که در این زمینه کار های لازم صورت نگرفته و بیشتر ظرفیت ها در چهار سال گذشته به دلیل نبود شرایط کار از کشور فرار کرده اند و این پروسه جریان دارد .

چهارم یافتن تکنولوژی جدید:

یافتن رویه ها، ابزار، وسایل و دستگاه های جدید در تولید محصولات و خدمات نوین یکی از مهم ترین فاکتورها در رشد اقتصادی کشورها و فاصله گرفتن آنها در تولید کالا و خدمات در بازار های جهانی است. امروز افغانستان در بخش تولید قالین، زعفران، پشم، میوه های خشک و تازه دست بالا دارد اما نبود امکانات برای بسته بندی و عدم استفاده از تکنولوژی های جدید برای پرورس این تولیدات سبب شده است که تولیدات افغانستان به نرخ پائین به فروش رسد یا اینکه به نام دیگر کشور ها صادر شود.

پنجم افزایش تجارت: یکی از مهم ترین عوامل در رشد اقتصادی کشورها که گاه موجب تسهیل حرکت جریان سایر ایده ها خواهد شد، توانایی یک کشور در برقراری ارتباط مؤثر با سایر کشورها و افزایش حجم مبادلات تجاری است. امروز ادارات اقتصادی افغانستان بیشتر به جای کار های مؤثر اقدام به تبلیغات در سرمایه گذاری کرده و ارقام نا درست را از طریق رسانه های مردم میدهند اما واقعیت این است که حکومت به جز چند مورد مثلاً ایجاد دهلیز های هوایی که زیاد به رشد اقتصاد تاثیر گذار نیست کار مؤثر انجام نداده است . سیاست نادرست حکومت در چند سال گذشته سبب شده است تا افغانستان به یک کشور کامل مصرفی مبدل شده و تمام اسعار خارجی که برای افغانستان کمک می شود به وسیله واردات بیرون شود که ادامه این وضعیت اگر اقدام نشود افغانستان را به پرتگاه نیستی خواهند کشاند .

پایان